



حقوق ایران در دریای مازندران (کاسپین)، که با فداکاری میلیونها ایرانی در درازای قرون به دست آمده، قابل معامله نیست

امرداد ۲۵۸۵

حکومت ضد ایرانی و دولت بی‌کفایت پزشکیان، لایحه کنوانسیون جدید حقوقی دریای مازندران (کاسپین) را با قید یک فوریت به مجلس رژیم ملاها داده است. آنچه بیش از همه ابهام ایجاد میکند این است که معمولاً دولتها در هنگام جنگ چنین تصمیمات بزرگی را موکول به پس از جنگ می‌کنند. اکنون با این عجله، در این موقع حساس و با قید یک فوریت برای تصویب در مجلس، خود مورد تعجب است، بویژه آنکه لایحه با سرعت در کمیسیون های تخصصی و امنیت ملی مجلس رژیم ملاها نیز مطرح شده.

در سوم جولای ۲۰۲۶، دیمیتری مدودف، معاون شورای عالی امنیت ملی فدراسیون روسیه، با عنوان فرستاده پوتین، برای شرکت در مراسم خاک سپاری علی خامنه ای به تهران آمد. او در یک ملاقات رسمی با مسعود پزشکیان، رئیس جمهور اسلامی، در باره اهمیت بازرگانی بستن تنگه هرمز و تنگه باب المندب دستورات کامل را داد. او در این گفتگو روشن کرد که همکاریهای نظامی روسیه وابسته به پیروی از این دستورات است. مدودف به خبر نگاران نیز گفت که اثر کنترل و بستن تنگه هرمز بیش از داشتن بمب اتمی است.

پس از دیدار مدودف، بدون درنگ و در زمانی که گردهمایی سران ناتو در ترکیه برقرار بود، جمهوری اسلامی به کشتی های گذران از بخش جنوبی تنگه هرمز حمله کرد و حوثی ها در باب المندب و دریای سرخ موشک پرتاب کردند تا، با این عملیات نظامی، هم روی روند کنفرانس ناتو در ترکیه اثر بگذارد و هم توصیه های مدودف اجرا شود.

کنوانسیون وضعیت حقوقی دریای خزر (موسوم به کنوانسیون آکتائو) در ۲۱ مرداد ۱۳۹۷ (۱۲ اوت ۲۰۱۸) در شهر آکتائو قزاقستان (کازاخستان) به امضای سران پنج کشور ساحلی (ایران، روسیه، قزاقستان، جمهوری آذربایجان و ترکمنستان) تنظیم شد و به تصویب مجلسهای این کشورها، بجز ایران رسید. در عمل پیرو مخالفت های همه ایرانیان میهن پرست، رژیم ضد ایرانی در خود یارای ارائه این کنوانسیون به مجاس را ندید، کنوانسیونی که سهم ایران ایران را از ۵۰٪ به ۱۱٪ رساند.

به نظر می آید که نیز روسیه، در ازای دادن اطلاعات دقیق پایگاه های نظامی آمریکا و دیگر نقاط استراتژیک خاورمیانه، درخواست تصویب کنوانسیون دریای مازندران را در مجلس اسلامی را کرده است. در صورت تصویب، روسیه و اقمارش از یک نگرانی بزرگ آزاد میشوند و بدین ترتیب سیستم حقوقی مورد نظر خود را برای همیشه تثبیت میکنند و کنترل امنیتی، اقتصادی، بهره وری از منابع بر پایه توافق های دویا چند سویه در کنترل و به سود چهار کشور کنفدراسیون روسیه خواهد بود بدون آنکه ایران در آینده دریای کاسپین نقش موثری داشته باشد.

بگونه تاریخی ایران و شوروی یک قرارداد مهم دارند. قرارداد ۱۹۲۱ بنام قرارداد مودت، پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه بسته شد و قرارداد ظالمانه ترکمن چای را لغو کرد و مالکیت دریای مازندران را بگونه مشاع، با حق برابر کشتیرانی، مدیریت و بهره وری در پهنه آبی برقرار نمود. چون پیرو این قرارداد مالکیت مشاع است و تنها با دو مالک، از لحاظ حقوقی مالکیت بگونه ۵۰/۵۰ برای طرفین تعیین شد.

در قرار داد مکمل بازرگانی دیگری در ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی، ماهیگیری انحصاری در عرض ۱۰ مایل دریایی در امتداد سواحل هر کشور، آزادی ماهیگیری در بقیه دریا برای هر دو کشور، کشتیرانی آزاد برای دو کشور، در پهنه کاسپین

برقرار شد. در این قرارداد تاکید مجدد و صریح به دریای مشترک ایران و شوروی شد. در دو قرار داد ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ مرز بندی بهره وری از بستر و زیر بستر برای استخراج معادن مانند گاز و نفت، شن و ماسه و دیگر مواد و استفاده از آن برای خط لوله ترابری نفت و گاز و کابل کشی انرژی برقی یا تلفن و اینترنت، یا دیگر بهره وری ها از این دریا، بگونه جداگانه و با جزئیات ذکر نشده و بدین ترتیب، از نظر حقوقی، در زیر چتر مالکیت و مدیریت مشاع قرار میگیرند. بدین معنی که، غیر از ماهی گیری که مختص هر کشور در منطقه مرز ساحلیش است، برای همه بهره وری های دیگر در همه پهنه آب دریای مازندران، چه درون منطقه مرز ساحلی یا خارج از آن، سهم ایران ۵۰٪ است.

اما در کنوانسیون آکتانو، که از پیش توسط کشورهای ساحلی عضو فدراسیون روسیه آماده شده بود، هر بهره وری از دریا را به توافق دو جانبه کشورها سپرده و توان تصمیم گیری و مدیریت بهره وری های بیرون از سهم ۱۱ در سدی، از ایران سلب شده و به قرارداد های دو طرفه میان کشورهای کنفدراسیون روسیه سپرده شده. این کنوانسیون پیامد های ژئوپولیتیک مضر برای ایران بوجود میآورد مانند آنکه دیگر ایران از اهرم محور بودن برای انرژی برای کشورهای اروپایی و ترکیه محروم میگردد.

یادآور میشود که هم اکنون جمهوری آذربایجان (اران) تقریباً تمام نفت و گاز خود را از بستر دریای کاسپین استخراج می کند. این کشور بزرگترین تولید کننده نفت و گاز در حوزه کاسپین است. ترکمنستان، قزاقستان و روسیه نیز نفت و گاز بسیاری را از زیر بستر دریای مازندران استخراج می کنند و به اکتشاف و بهره برداری از منابع هیدروکربنی در این دریا مشغول اند. تنها کشوری که از این منابع بزرگ کوچکترین بهره ای ندارد ایران است. این کشورها منابع دریای مازندران را بین خودشان تقسیم میکنند بدون آنکه محلی از اعراب برای جمهوری اسلامی باقی بماند.

اگر کنوانسیون ۲۰۱۸ به تصویب مجلس اسلامی برسد حقوق تاریخی ایران در دریای مازندران، که با فداکاری میلیونها ایرانی در درازای قرون به دست آمده، پایمال میگردد و ملت ایران و نسلهای آینده از بهره های این خطه از مرز و بوم کشورشان محروم میمانند.

اکنون سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، پس از ۸ سال امضای این قرارداد ننگین، با عجله، اصرار به تصویب مجلس میکنند، بدین دلیل آنکه این اشغالگران پایان حیات خود را بدست فرزندان شجاع در نزدیک میبینند و میخواهند در آخرین لحظه بزرگترین خیانت را به مرز و بوم ایران بکنند به امید آنکه، مانند روسای قاجاری مخالف آزادی مردم ایران، دولت روسیه، برای این خوش خدمتی، به آنان پناه بدهد. باید افزود که بدین ترتیب جمهوری اسلامی روی سلاطین نالایق و ضد ایرانی را، که قرارداد ترکمن جای را امضا کردند، سفید میکنند. نمایندگانی که در مجلس اسلامی به این قرار داد رای مثبت بدهند نیز باید بدانند که نامشان در تاریخ همراه خیانت و بدکاری خواهد ماند. گرچه بسیاری از این نمایندگان دستوری هستند ولی امید است که کسانی با وجدان پاک پیدا شوند و بتوانند از تصویب این کنوانسیون ننگین جلوگیری نمایند.

چکیده کنوانسیون حقوقی دریای مازندران بگونه زیر است:

- ۱- پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کشورهای ساحلی دریا از ۲ کشور (ایران و شوروی) ۵ کشور شدند و ۳ کشور ترکمنستان، قزاقستان (کازاخستان) و جمهوری آذربایجان (اران)، که در کنفدراسیون روسیه عضوند، پس از تصمیم گیری در روسیه، به جمهوری اسلامی دستور دادند تا قرارداد مودت ۱۹۴۰ را، که در آن دریای مازندران بگونه مشاع توسط دو کشور ایران و روسیه بهره برداری و مدیریت میشد، باطل نماید و کنوانسیون حقوقی دریای مازندران (آکتانو ۲۰۱۸) را امضا نماید. این فشار با وجود آنکه همه این کشورها پس از فروپاشی تعهد کرده بودند که همه قراردادهای اتحاد جماهیر شوروی، از جمله قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰، را محترم بدارند. البته چون همانگونه که در رسانه های روسیه آمده، رهبر جمهوری اسلامی دانش آموخته دانشگاه پاتریک لومبا بود و خود را مدیون آن کشور میدانست، بجز پذیرفتن دستور راه حل دیگری نداشت.
- ۲- هر کشور مالک آبهای سرزمینی به پهنای ۱۵ میل دریایی در مرز با دریاست و ۱۰ میل دریایی اضافه بر آن اجازه اختصاصی برای ماهیگیری دارد.
- ۳- بقیه پهنه آبی برای کشتیرانی مشاع است.
- ۴- بهره وری از بستر و زیر بستر دریا با قرار دادهای دو جانبه میان کشورهای عضو قرار داد تعیین میشود.
- ۵- کار برد نظامی برای ارتش های کشورهای خارج از ۵ کشور امضا کننده ممنوع است.

۶- با زیرکی دیگر جزئیات مانند بهره وری از معادن زیر زمینی در این قرارداد مشخص نشد. این روند بسیار به ضرر ایران تمام شد.

در این مذاکرات روسیه و سه کشور عضو کنفدراسیونش، مالکیت مشاع را نپذیرفتند و تاکید بر تقسیم کردن دریا میان کشورها در بهره وری از بستر و زیر بستر دریا داشتند و تنها مشاع بودن پهنه آب را پذیرفتند چون راه حل دیگری برای پهنه آب دریا نبود. در نهایت به دلیل ضعف حکومت جمهوری اسلامی و سرسپردگی علی خامنه ای به پوتین، نمایندگان رژیم خانن روند تقسیم بندی را امضا کردند. اثرات نامطلوب این کنوانسیون حقوقی بر ایران در آینده بسیار خواهد بود اما چکیده آنچه که قابل پیش بینی است عبارت است از:

- ۱- مرز ایران در جنوبی ترین بخش در پهنای دریای مازندران قرارداد نه در درازای آن. در نتیجه با کار بردن روش تقسیم بندی بهره وری از بستر و زیر بستر دریا، سهم کمی نصیب ایران میشود.
- ۲- پس از تنظیم و امضای قرارداد، کشورهای روسیه، کازاخستان، ترکمنستان و اران، بدون درنگ، با توافقی دوجانبه، پهنه های بهره وری از بستر و زیر بستر دریا را میان خود تقسیم کردند و بخشی برای ایران باقی نماند.
- ۳- بی توجهی به منافع ملی به خاطر مسائل ایدئولوژی مذهبی، ناتوانی دیپلماتیک و سرسپردگی سردمداران سبب شد که ایران در این معامله به حاشیه برود.
- ۴- بدین گونه ایران از سکوی شریک بودن با روسیه به کوچکترین سهام دار دریای مازندران تبدیل شد، دریایی که قرن ها ایران مالک آن بود
- ۵- با امضای این قرارداد ایران عملاً سهمی در بهره وری از معادن زیر بستر دریای مازندران، بویژه نفت و گاز، ندارد.

در سر سپردگی و خیانت جمهوری اسلامی کافیت به گفته مشاور کشور روسیه در امور ایران در رسانه ها اشاره کنیم. او گفت که در آغاز گردهمایی در آکتانو ما انتظار داشتیم که نمایندگان جمهوری اسلامی قراردادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ تقاضای سهم ۵۰٪ بکنند ولی با تعجب این نمایندگان خودشان ۲۰٪ را در خواست نمودند (گر چه در پایان تنها ۱۱٪ سهم ایران شد).

آنچه در این روزهای پر آشوب و خطرناک بر میهن ما و تمدن ۱۲۰۰۰ ساله اش میگذرد حاصل ۴۷ سال اشغالی و حکومت مشتی نادان، بی وطن و ایران ستیز است که میهن عزیزمان را در دو جنگ بزرگ و خانمان سوز وارد کرده اند. کشور و ملت هر روز شاهد از دست رفتن بخش هایی از سرزمین، نا گواریهای اقتصادی-اجتماعی و تحمل پیامدهای ناهنجار سیاسی در اثر تصمیمات نادرست و ضد ملی یک فرقه مافیائی تبهکار حاکم بر ایران است، رژیمی که روشی جز سلاخی ایرانیان آزاده، تاراج و دزدی اموال مردم، مبارزه بر ضد تمدن و فرهنگ ایرانی، تروریسم و حادثه جونی بین المللی ندارد.

سازمانهای هموند جبهه هماهنگ مبارزان ایران:

انجمن ایران در دالاس، انجمن ایرانی برای صلح و آزادی و عدالت، انجمن پزشکان پادشاهی خواه ایران، انجمن زنان پارسی در سوئد، انجمن فرهنگ ایران زمین، بنیاد اروپایی زرتشت شناسی، تشکیلات لوس آنجلس-ایران، پشتیبانان جنبش دموکراسی در ایران، پیمان برای دموکراسی، جمعیت آزادیخواهان ایرانی در فرانسه، جمعیت ایرانیان مبارز (جام)، جمعیت خرد پیشگان ریشه ای، جنبش حمایت از مبارزات ملت ایران، جنبش زنان ایران، حزب ایران نوین-سیاتل، حزب دموکرات مردم ایران، رادیو آزادگان-سوئد، سازمان ایران پاد، سازمان پیام، حزب پان ایرانیست، سازمان رهایی ایران، سازمان زنان خاورمیانه، سازمان حقوق بشر برای آزادی زندانیان سیاسی، سازمان سرباز، سازمان سکولارهای دموکرات ایران، سازمان مشروطه خواهان ایران پادشاهی، سازمان مشروطه خواهان بلوچ، سازمان ملی میهنی ایران، سازمان نگهبانان ایران جاوید، سازمان نظم نوین ایرانیان، سازمان نهال، سازمان همبستگی زنان ایران، سازمان هواداران مشروطه پادشاهی- جنوب فرانسه، شورای اتحاد و همبستگی نیویورک، فرهنگستان جهانی کوروش بزرگ، کانون خرد، کنگره همبستگی ایرانیان، نگهبانان یکپارچگی ایران، همبستگی ملی ایرانیان (هما).